

از: دکتر عزیزاله سلیم پور
نیس - فرانسه



را بعنوان نام خود انتخاب کرده سپس به فرزندانسان به ارث واگذار کردند.

سزار روم به این سربازان بخشی از زمین های «نیم» (Nimes) در چند کیلومتری ماریسی (که آثار باستانی رومی اش بسیار معروفند) را واگذار کرد.

و هنوز که هنوز است روی پرچم این شهر، درخت خرما و سوسمار که علامت مشخصه آنان بود بچشم میخورد. اینهمه را نوشتیم تا بگویم در طی ۲۰۰۰ سال، اجداد من توانسته اند از «نیم» تا ماریسی یعنی ۲۰۰ کیلومتر جابجا بشوند!

تو ایرانی هستی، همسرت از مصر با اجدادی از چهار گوشه دنیا است. (یونان، مراکش، اتریش و ایتالیا). خودتان در فرانسه زندگی میکنید و بقیه فامیلت در انگلستان، امریکا... و پسرت همسری روسی برگزیده است و در اسرائیل زندگی میکند. لاتینی ها از دیرزمان تاکنون همیشه همان گرد و خاک کفشهایشان را پوشانده. آنان فقط یک تکه زمین و گوشه ای از آسمان را می شناسند و با تمام وجودشان به آن چسبیده و وابسته اند.

یهودیان شهروندان جهان متفرق و پراکنده دائماً در حال حرکت بوده اند. بهمین علت آنها احتیاج روحی و جسمی برای یک نقطه اتکا، یک مرجع و مرکز عاطفی، معنوی، اسطوره ای و روحی داشته و دارند و آن اورشلیم است. حتی آنانیکه هرگز پا به این سرزمین نمیگذارند و حتی یهودیان بی ایمان از این پدیده متنتنی نیستند. البته بجای اورشلیم میتوانست «بوربول» و یا «ماندولیو» (شهرهای فرانسه) باشد ولی بنظر مشکل میآید که خداوند به ابراهیم بگوید «فامیل و خانه ات را ترک کن و بطرف «بوربول» و یا «ماندولیو» برو، پس باید میگفت «بطرف اورشلیم برو!»

بین رابطه انسانها با یکدیگر و روابط مشکلشان با پروردگار با چه چیزهایی در هم است!

عروس و دامادی که هزاران سال تاریخ را بر دوش دارند را برکت میکنم و برایشان خوشبختی آرزو میکنم. باشد که آنها دیگر شاهد جنگی نباشند.

لوئی

دوست من لوئی را خوانندگان عزیز پیام میشناسند. مکاتبات او با من حداقل در یکی از شماره های این مجله بچاپ رسیده است. اختلاف نظر ما در مورد اسرائیل و فلسطین بطور کلی و در مورد اورشلیم بطور اخص زمانی چنان بحرانی شد که خطر گسسته شدن رشته دوستی ما را تهدید میکرد.

آخر در آن روزها در اروپا جراید و رادیوها هر بار در باره اورشلیم چیزی می نوشتند یا میگفتند، اضافه میکردند «سومین مکان مقدس اسلام!» بطوری که در تصور مردم سومین مکان مقدس اسلام از اولین مکان و شاید تنها شهر مقدس یهودیان مهمتر بنظر میآمد!

هنگامیکه پسر «لوران داریوش» با دختری از سیبری ازدواج کرد با همسرم برای آنها شعر و آهنگی ساختیم که برای دوستان نزدیک از جمله «لوئی» بصورت سی.دی. فرستادیم. جواب لوئی برایم جالب آمد تا بجائی که آنرا ترجمه کردم ولی چون جنبه خصوصی داشت از فرستادنش به پیام شک کردم. امروز که بیش از یکسال از دریافت این نامه میگذرد، فکر کردم آنرا بفرستم چرا که بسیارند چون «لوئی» که با وجود داشتن دوستان یهودی به عمق اهمیت اورشلیم در روح و روان آنان آگاه نیستند.

نامه «لوئی» از این نظر جالب است.

با درود فراوان - عزیزاله سلیم پور

سلام «عزیز» و سپاس برای سی.دی.

شعر و آهنگ و اجرای آن واقعاً بسیار جالب است و با همسرم براستی از شنیدنش لذت فراوان بردیم. روی سی.دی. نوشته بودی «تقدیم به برادر سرکشم.» خیلی ممنون ولی من فکر نکنم آنقدرها هم سرکش باشم. آیا باید روانپزشک میبود تا در مقابل منظره دنیائی که تماشایان بالاجبار آن هستیم سرکش نباشیم؟!!

مقایسه تاریخ زندگی من و تو مرا کمی روشن کرد. نام فامیلی من یک نام لاتینی مطلق است «ت...»، نام سربازان وابسته به سومین گروه حمله رومیان بود که گروه پیروزی نام داشت، آنها در آخرین مرحله جنگ وارد معرکه میشوند و افتخار پیروزی از آنان بود. این سربازان این عنوان افتخارآمیز